

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۴ نومبر ۲۰۱۸

"قیوم کوچی" دلال محبت بین طالب و مسکو

۵



سه شنبه- ۲۲ عقرب ۱۳۹۷- کابل:

۴- دشواری ها سر راه طالب:

در قسمت قبلی نگاشتم که برنده اولی کنفرانس مسکو، طالب بود؛ از این جمله نباید چنین استنباط شود که دنیا برای طالب گل و گلزار شده و همه چیز برای آنها جهت بر گشتن به "تخت و تاج" اهدائی امپریالیستها آماده شده است، عکس قضیه آنها ناگزیر باید دشواری های شان را حل نمایند، تا امکان و زمینه برگشت برای شان در چشمرس قرار گیرد. به نظر من آن دشواری ها کلاً در دو بعد مطرح می گردد، بعد منطقه ئی و بین المللی و بعد داخلی.

۱- دشواری های منطقه ئی و بین المللی:

الف- اولین مشکل آنها که هم در بعد منطقه ئی و بین المللی مطرح می گردد و هم در بعد داخلی، برخورد و تصفیه حساب آنها با تاریخ خونبار، جهالت پرور و زن ستیز خودشان است. طالب در دوران تاریک و خونبار حاکمیتش که توأم بود با چوبه های دار و تازیانه، ترویج توحش و عقبگرایی را بین سربازانش مساوی و معادل با کلید جنت اعلام داشته بود، از همین رو بهترین طالب، بدترین انسان با معیار های امروز بود، حال که می خواهد دوباره به قدرت برگردد، اولتر از همه باید با آن تاریخ ترور و دهشت تصفیه حساب نموده به سربازانش تفهیم نماید، که طالب دیروز

اعم از ملا عمر و ملا ربانی و سایر رهبران دیروزی عناصری بودند جنایتکار، ضد بشر و ضد مدنیت، تا مردمان افغانستان، منطقه و جهان زندگی آینده شان را تابع تاریخ خونبار گذشته طالب نساژند.

ب- طالب در هنگام قدرت در عمل به همه جهان نشان داده بود که یک نیروی است فاقد استقلال، وابسته و تامغز استخوان منقاد و نوکر پاکستان. به همان اساس دوست پاکستان دوستش بود و دشمن پاکستان دشمنش. از همان رو تمام حریفان بالقوه پاکستان، دشمنان بالفعل طالب بودند. حال وقتی می خواهد دوباره به قدرت برگردد، می باید اطمینان تمام طرفهای درگیر را حد اقل به این نکته جلب نماید که در آینده قلاده اش تنها رنگ سبز و مهتاب ندارد، بلکه یک رنگین کمان کامل خواهد بود یعنی حلقه غلامی تمام کشور های منطقه و جهان را به گردن خواهد آویخت.

پ- طالب در هنگام قدرت، با جلب و مساعد ساختن فضاء به دستور بادرانش، افغانستان را به پرورشگاه تمام تروریستان جهان که در آن زمان در "القاعده" تمرکز یافته بودند، مبدل ساخته و از آن طریق به نفع ترویج و عملی نمودن سیاست های امپریالیسم غرب، برای تمام کشور های منطقه دردسر ساز شده بود، حال می باید همه را متقاعد سازد که دیگر افغانستان را جولانگاه تروریستان اسلام سیاسی وابسته به غرب نخواهد ساخت.

ت- طالب در زمان حاکمیتش بر مبنای رنگ قلاده اش، گذشته از این که با هندوان در داخل افغانستان شمشیر را از نیام کشیده بود، گذشته از این که حتا جهت ابراز دشمنی با بودیزم، جنایت نابخشودنی در حق تاریخ افغانستان با ویران نمودن بتهای بامیان انجام داد، عملاً صد ها و هزاران تروریست از اتباع افغانستان و پاکستان را آموزش داده مسلح می ساخت تا در جنگ کشمیر، خون سربازان هندوستان را بریزاند، حال وقتی می خواهد دوباره برگردد، باید اولتر از همه هند را متقاعد سازد که با تاریخش تصفیة حساب نموده است.

ث- طالب در زمان حاکمیتش در عمل به مثابه چوب دست امپریالیسم امریکا به علاوه آن که ایرانی ها را در مزار که چتر حمایت دیپلماتیک بر سر شان بود، به قتل رسانید، همیشه چنان وانمود می نمودند که با کوچکترین تصادم بین امریکا، اسرائیل و عربستان با ایران، آنها از جانب شرق بر ایران خواهند تاخت. اینک می باید ایران را متقاعد سازند که پوست عوض نموده و دیگر چوبک امریکا، اسرائیل و عربستان سعودی نخواهند شد.

ج- هرچند طالب در زمان حاکمیتش درگیری های سیاسی شدید با کشور های آسیای میانه و روسها نداشتند و حتا با سهل انگاری عامدانه زمینه فرار یک طیاره روسی را از میدان قندهار نیز مساعد ساختند، مگر در همه حالت، حال وقتی خواستار برگشتن به قدرت هستند، می باید به روسها و تمام کشور های آسیای میانه اطمینان صد در صد بدهند که با به قدرت رسیدن شان هیچ گونه تهدیدی متوجه آنها از جانب داعش و یا کدام نیروی دیگری از سرحدات افغان نخواهد بود.

۲- دشواری های داخلی:

دشواری های طالب برای بازگشت مجدد به قدرت چه به مثابه شریک و چه هم به مثابه قدرت حاکم، از لحاظ شرایط داخلی با سه مشکل روبه رو است: دولت دست نشانده، احزاب رقیب و مردم افغانستان.

الف- به ارتباط دولت دست نشانده که در کل متشکل از تعدادی تکنوکرات بی ریشه و فاقد قدرت نظامی و جمعی از جنگسالاران ذوب شده در قدرت اعطائی امپریالیسم اند، با آن که ظاهراً سخت ترین مشکل تبلیغ می گردد، مگر در واقعیت امر ساده ترین و آسانترین مشکل همین یک می باشد. زیرا از یک جانب وابستگی غلیظ این طیف به اشغالگران و تابعیت مطلق آنها از اراده استعمار و از جانب دیگر بی ریشگی و ظرفیت قیاس ناپذیر خود فروشی این طیف، حین یک سازش بین امپریالیسم و طالب، بسیار آسان قابل حل می باشد. چه تعدادی از آنها همان طوری که با جیب های

خالی به افغانستان آورده شده اند، با جیب های پر به اروپا و امریکا برگردانده خواهند شد، بخشی از آنها حاضر خواهند شد در اداره ای که طالب تشکیل می دهد، خدمت نموده نیروی کار شان را به عوض فروش مستقیم به امپریالیسم، به صورت غیر مستقیم و از طریق طالب به فروش برسانند.

ب - احزاب و نیروهای به اصطلاح جهادی و جنگسالار، وقتی مطمئن شوند که می توانند تحت قیادت طالب زندگی نمایند، بدون کمترین واکنشی به آن پستی و ذلت تن داده، همه شاهد خواهیم شد که به مثابه پیاده نظام طالب در خدمت آنها قرار خواهند گرفت. این روند در واقع ادامه همان مناسباتی خواهد شد که وقتی بار اول طالب به قدرت رسید، اتفاق افتاد. یعنی به هزاران تن از نیروهای جهادی و جنگسالار از تمامی آنها اعم از باند "گلبدین" و باند "ربانی" و باند های "مجددی"، "محمدی"، "سیاف" و حتا لاشخور هائی که در ایران آموزش دیده بودند و تصور می شد که حق نان و نمک رژیم ولایت فقیه را مراعات کنند، همه شاهد بودیم که چگونه تغییر جهت داده و در همدستی با سایر طالب ها، به کشتار خلق ما دست یازیدند.

ب- بزرگترین دشواری طالب، چگونگی برخورد آنها با مردم افغانستان است. مردمی که به یاد دارند چگونه زنان شان و دختران شان در چهاردیواری خانه محبوس بود، مردمی که به یاد دارند چگونه زنان و دختران شان در سرک و بازار با تازیانه طالب خونین می گردیدند، مردمی که به یاد دارند، چگونه فرزندان شان حق نداشتند به مکتب بروند و درس بخوانند، مردمی که نه کشتار یکاوانگ را فراموش می کنند و نه قتل های عام در شمالی، مزار و سایر مناطق افغانستان را، مردمی که از همه بالاتر در وجود طالب، برده داران جدیدی را می بینند که آمده اند از آنها در قرن ۲۱ برده و کنیز بسازند. این مشکلی است که طالب حین بازگشت به افغانستان با آن مواجه خواهد بود.

هموطنان گرامی!

تاریخ و تجربه کشور های جهان و کشور خود ما نشان داده، که وقتی یک نیروی عقب مانده، متحجر، وابسته و منقاد بیگانه به قدرت می رسد، در اسرع وقت می تواند تمام مشکلاتش را با جهان و منطقه حل کند، زیرا در مقابل آنها موشی می گردد که سمت حرکتش را گریه استعمار تعیین می دارد، نمونه امیر عبدالرحمان خان، پینوچه، سوهارتو، مارکوس، خمینی و صد ها خاین و وطنفروش دیگر شاهد بر ادعای ماست. مشکل زمانی غیر قابل حل می گردد که همان موش استعمار در مقابل مردم خودش پلنگ تیز دندانی می گردد که در هر حرکتش، جویهای خون جاری می سازد.

طالب نیز از این قاعده مستثنا نیست. وقتی شرق و غرب بخواهند آنها را مجدداً به قدرت برگردانند، مطمئن باشید که آنها در مقابل خواستهای کشور های منطقه و جهان، همان موشی خواهند شد که با یک نگاه گریه استعمار، خودش را در غارش مخفی خواهد نمود، مگر در رویارویی با مردم همان موش، مجدداً پلنگ خون آشامی خواهد گردید.

هموطنان گرامی!

اگر نمی خواهید بار دیگر با جنایات طالب روز را به آخر رسانید، بیایید ابتکار جنگ و صلح را از دست دولت دست نشانده، امپریالیسم امریکا و شرکاء و رقبای آنها در سطح منطقه و جهان گرفته، خود جهت تعیین سرنوشت خویش اقدام نمائیم، اگر پیروز شدیم که مطمئناً می شویم، آزادانه زندگانی نمائیم و اگر ما کشته شدیم و نسل های بعد به پیروزی رسید، حد اقل در آزادی مرده، مرگ ما بذر آزادی فرزندان و ادامه دهندگان ما گردد.

سرکها ما می طلبید!!